



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۴ آبان ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۶- فرع دوم: پوشش زن در برابر صبی ممیز - ادله عدم لزوم و بررسی آنها -

مصادف با: ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۳

دلیل دوم - بررسی تعارض بین دو آیه و وجوه جمع بین آنها

جلسه: ۱۶

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله عدم لزوم ستر و پوشش زن در برابر صبی ممیز بود. یک دلیل را ذکر کردیم؛ محصل دلیل اول این شد که به حسب آیه زن حق ندارد زینت‌های مخفی خودش را در برابر هرکسی غیر از صبی غیرممیز ابداء و آشکار کند. پس اطلاق آیه (اطلاق در حکم لزوم پوشش در برابر دیگران سواء كان بالغاً أم غیر بالغ)، اقتضا می‌کند لزوم ستر در برابر صبی ممیز را؛ چون فقط صبی غیرممیز استثنا شده است. در مقابل اطلاق این آیه، دو روایت از بنظری وارد شده که البته با توجه به اتحاد راوی و قرابت مضمون یا شباهت فی الجمله این دو روایت با یکدیگر، بعید نیست که اینها یک روایت باشند. به هر حال طبق این روایت لازم نیست که زن خودش را از صبی غیربالغ بیوشاند. بنابراین با این روایت، اطلاق آیه تقیید می‌شود و نتیجه این می‌شود که پوشش زن فقط در برابر بالغان و مردان بالغ واجب است، اما در مورد صبی ممیز واجب نیست.

دلیل دوم

دلیل دیگر، آیه استیزان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنَ الْمَشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ»^۱. بر حسب این آیه، افرادی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند می‌بایست در اوقات سه‌گانه استیزان کنند و اجازه بگیرند، بدون اجازه وارد نشوند. پس آیه منع کرده از ورود بدون اجازه کودکان و اطفال نابالغ در این سه وقت. وقتی می‌گویند اینها در این سه وقت وارد نشوند، معنایش آن است که در غیر این سه وقت می‌توانند بدون استیزان رفت و آمد کنند. وقتی در این غیر این سه وقت بتوانند بدون اجازه به حریم بانوان وارد شوند، این معنایش آن است که ستر و پوشش در برابر اطفال نابالغ واجب نیست. امر به استیزان در این سه وقت لازم‌هش این است که در غیر این اوقات سه‌گانه، استیزان لازم نیست. علت اینکه در این سه وقت امر به اجازه گرفتن شده، این است که اینها اوقاتی هستند که ممکن است روابط زناشویی شکل خاصی پیدا کند و پوشش‌ها کامل نباشد و در وضعیتی باشند که برای کودکان رؤیت آن وضعیت مناسب نباشد. لذا خواسته‌اند از این آیه استفاده کنند که ستر و حجاب زن در برابر صبی ممیز واجب نیست. یعنی این آیه به یک معنا منطوقاً دلالت می‌کند بر اینکه بر اطفال غیربالغ منعی نیست از ورود که لازم آن این است که زنان می‌توانند خود را در برابر اینها نپوشانند و می‌توانند از این جهت آزاد باشند و پوشش بر زنان واجب نیست.

۱. سوره نور، آیه ۵۸.

در ادامه، آیه ۵۹ این مطلب را روشن می‌کند که درباره بالغین است: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، اما اگر اطفال به سن بلوغ رسیدند، پس باید اجازه بگیرند؛ چنانچه قبل از آن این استیذان بود.

اولاً این به روشنی دلالت می‌کند که قبل البلوغ استیذان لازم نیست و بعد البلوغ لازم است. مسأله مهم‌تر که برای تمام شدن استدلال لازم است، این است که این حکم مختص به محارم نیست؛ چون لقائل آن يقول که آیه ناظر به محارم است؛ یعنی خطاب به والدین می‌گوید که در منزل مراقب باشید که فرزندان یا محارم شما که می‌خواهند وارد شوند، اجازه بگیرند و در این اوقات بدون اجازه وارد نشوند. اگر کسی گفت این اختصاص به محارم دارد، دیگر به درد استدلال نمی‌خورد؛ چون دلیل می‌خواهد اثبات کند لزوم پوشش را در برابر غیر محارم؛ غیر از برادرزاده و خواهرزاده، غیر از برادر و امثال اینها. لقائل آن يقول که این اختصاص به محارم دارد. ولی ظاهر این است که وجهی و قرینه‌ای وجود ندارد که آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ...» را مختص به محارم بدانیم و ظاهرش اطلاق دارد.

سؤال:

استاد: در زمان قدیم اینطور بود که معمولاً خانواده‌ها ... یک طایفه، پسرخاله، پسرعمه، دخترخاله، دخترعمه، لزوماً همه کسانی که در یک محیط ... در گذشته در یک خانه زندگی می‌کردند؛ الان هم که در یک خانه نیستند، اما تجمعات فامیلی و خانوادگی زیاد است، به نحوی که غیر محارم هم حتماً با هم در این شرایط ممکن است قرار بگیرند؛ لذا این اختصاص به فرزندان و محارم مثل پسربرادر و دختربرادر ندارد و همه را شامل می‌شود.

به‌علاوه، آیه «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ...» اساساً شاید ظهور در غیر محارم دارد. نمی‌توانیم بگوییم مخصوص محارم است؛ این حتماً عام است و بلکه چه بسا شمول آن نسبت به غیر محارم روشن‌تر است و یا اینکه اختصاص به آنها دارد.

سؤال:

استاد: «اذا بلغ الاطفال منكم الحلم»، اگر محارم باشند که ... این برای اوقات ثلاثه نیست، کلی می‌گوید. ... اینجا استیذان مخصوص آن اوقات ثلاثه نیست؛ چون مخصوص اوقات ثلاثه نیست، دیگر نمی‌تواند غیر محارم را شامل شود. ... اگر محارم باشند که استیذان لازم نیست ... بحث اوقات ثلاثه و غیر اوقات ثلاثه است؛ در این اوقات می‌گوید استیذان کند ... مطلقاً آنهایی که به بلوغ رسیده‌اند استیذان کنند. اگر محارم باشند، محارم مطلقاً باید استیذان کنند؟ ... غیر اوقات ثلاثه که محارم استیذان لازم ندارند ... می‌خواهد بگوید وقتی که به این سن برسند، دیگر اختصاص به اوقات ثلاثه ندارد؛ همیشه باید استیذان کنند. اتفاقاً این ظهور در آن دارد که اینجا اساساً غیر محارم اراده شده است؛ اگر بخواهد محارم هم مشمول این آیه باشد، مشکل پیدا می‌کند.

سؤال:

استاد: ممکن است روایت داشته باشیم؛ و الا در مورد مملوک اتفاقاً ... اینجا بحث اصل پوشش ... اینجا می‌فرماید که طبق این آیه در برابر غیر بالغ مسلماً لازم نیست ... غیر از این ادله دیگری هم داریم ... اتفاقاً تأیید می‌کند که پوشش اینها در برابر آنها لازم نیست، الا در این اوقات. همانطور که اطفال غیر بالغ نباید در این اوقات وارد شوند، آنها هم همین‌طور... از این آیه فی نفسه عدم لزوم پوشش زن در برابر غیر بالغین استفاده می‌شود.

تعارض بین دو آیه

یک اشکالی در ذیل این آیه مطرح شده که این آیه با آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» سازگار نیست. یعنی به نظر می‌آید که یک تعارض بدوی بین این دو آیه وجود دارد.

آیه ۵۸ سوره نور ظهور در این دارد که اطفال نابالغ در این سه وقت باید استیذان کنند و اجازه بگیرند و در غیر این سه وقت مانعی برای حضور آنها وجود ندارد. یعنی ظاهر آیه این است که پوشش در برابر آنها در غیر این سه وقت مشکلی ندارد. ما گفتیم این ظهور در اطفال ممیز دارد؛ پس کأن زن می‌تواند زینت خودش را در برابر اطفال ممیز ابداء کند. وجه و کفین در هر صورت لازم نیست پوشیده شود؛ ولی وقتی می‌گوید می‌توانید با همان وضعیت متعارف داخل خانه مقابل غیربالغین قرار بگیرید، یعنی ابداء الزینة در برابر اینها اشکالی ندارد.

در مقابل این آیه همان آیه سوره نور است که می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ». طبق آن آیه، زن نمی‌تواند زینت خودش را جز در برابر این افراد آشکار کند؛ یکی از آنها، صبی غیرممیز است. طبق آن آیه، ابداء الزینة در برابر صبی ممیز جایز نیست؛ اما طبق این آیه جایز است.

وجه جمع بین دو آیه

صرف نظر از امور دیگر و روایات، می‌خواهیم ببینیم آیا بین این دو آیه مشکلی وجود دارد یا نه، راهی برای جمع هست یا نه. این موضوعی بوده که مورد توجه قرار گرفته و راه‌هایی برای جمع بین این دو آیه ذکر شده است؛ وجهی برای جمع ذکر شده است. شاید حدود شش وجه در اینجا ذکر شده یا بتوان ذکر کرد؛ ما اینها را بیان می‌کنیم تا ببینیم آیا اینها قابل قبول است یا نه.

وجه جمع اول

صاحب جواهر یک وجه ذکر کرده و آن اینکه آیه «لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» را حمل بر صبی غیرممیز نمی‌کنیم؛ چون لم يَظْهَرُوا به معنای لم یقدروا علی عورات النساء است و منظور قدرت بر جماع می‌باشد. بنابراین استثنا از «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» مربوط می‌شود به بالغان؛ یعنی کأن «لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» کنایه از بلوغ است. چون کسانی که به سن بلوغ می‌رسند، قدرت بر وطی النساء پیدا می‌کنند و آیه می‌خواهد بگوید که زنان نباید زینت‌هایشان را در برابر دیگران آشکار کنند، و گروه‌هایی را استثنا می‌کند از جمله آنهایی که به سن بلوغ نرسیده‌اند. بنابراین بین آن آیه و آیه ۵۸ هیچ منافاتی وجود ندارد و هر دو یک چیز را می‌گویند؛ هر دو می‌گویند آشکار کردن زینت در برابر بالغ جایز نیست؛ تستر در برابر بالغ واجب است؛ هر دو می‌گویند آشکار کردن زینت در برابر غیربالغ اشکالی ندارد؛ حالا این می‌خواهد ممیز باشد یا غیرممیز. لذا قید لم يَظْهَرُوا علی عورات النساء در حقیقت کأن دارد توضیح می‌دهد اطفال را؛ الاطفال الذین لم يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ دارد معنای طفل را بیان می‌کند. این راهی است که مرحوم صاحب جواهر در اینجا ذکر کرده‌اند که بین این دو آیه اینطور جمع می‌شود.^۲

البته صاحب جواهر می‌فرماید: «بل لعل ذلك هو المراد من الظهور علی عورات النساء بمعنى القوة علی نکاحهن فلا ینافی حیثئذ ما ینستفاد من الآیة الثانیة من کون الاعتبار فی التستر منه والاستئذان فی غیر الاوقات الثلاثة الحلم». ملاک حلم و بلوغ است. «بل حمل الآیة علی ذلك أولى من حمل الصحیحین علی غیر الممیز الذی لا یحسن أن یصف، لکونهما کالصریحین

۲. جواهر، ج ۳۰، ص ۱۴۵.

بخلافه». اینکه بگوییم هر دو صحیحه بزنتی (آنجا که می‌گوید لاتغطی المرأة رأسها یا شعرها) دارد از غیر ممیز می‌گوید. برای اینکه بخواهیم بگوییم آن صحیحین هیچ منافاتی با آیه ندارد. این را ایشان می‌گوید خیلی نیکو نیست و این برخلاف صریح این دو روایت است. به‌رحال ایشان «لم یظهروا علی عورات النساء» را به معنای القدرة علی النکاح می‌گیرد.

بررسی وجه جمع اول

این وجه به نظر می‌رسد که محل اشکال است. بالاخره ما همان موقع که آیه «لم یظهروا علی عورات النساء» را ذکر کردیم و معنا کردیم، گفتیم در مورد لم یظهروا دو احتمال وجود دارد؛ یک احتمال این است که بگوییم به معنای لم یطلعوا است، احتمال دیگر این است که به معنای لم یقدروا علی النساء باشد. این در واقع برخلاف معنای لغوی و معنایی است که در برخی آیات در این باره بیان شده است. مفسرین هم این را به معنای لم یطلعوا گرفته‌اند. ما این احتمال را آنجا نفی کردیم؛ اگر این احتمال را نفی کنیم و نپذیریم، دیگر جایی برای این وجهی که صاحب جواهر ذکر کرده‌اند وجود ندارد.

وجه جمع دوم

وجه جمع دیگر که صاحب مسالک آن را ذکر کرده، این است که مفاد آیه استیذان این است که اجازه گرفتن برای غیر بالغین در غیر این سه وقت لازم نیست. اما اینکه بگوییم استیذان لازم نیست در غیر این سه وقت، آیا لزوماً معنایش آن است که آنها می‌توانند نگاه کنند؟ یعنی غیر بالغان می‌توانند به زنان نگاه کنند و زنان هم لازم نیست در برابر آنها تستر داشته باشند؟ ملازمه‌ای بین اینها نیست. صاحب مسالک می‌گوید امر به استیذان در این اوقات مقتضی جواز نظر نیست، این جواز نظر از ناحیه اطفال است؛ اینکه اینها در غیر این سه وقت اجازه نگیرند، یعنی با همان وضع و بدون پوشش متعارف، سرشان باز و لباس‌های متعارف پوشیده‌اند، می‌توانند بر زنان وارد شوند و نگاه کنند. ایشان می‌گوید چنین ملازمه‌ای نیست. اجازه گرفتن ملازمه ندارد با جواز نظر، و یا ملازمه ندارد با عدم لزوم تستر. به این صورت خواسته‌اند بین آن آیه و این آیه تنافی را برطرف کنند. چون بین حکم مستفاد از این آیه و آنچه که در آیه دیگر گفته شده، ملازمه‌ای نیست تا بخواهد منافات پدید آید.

بررسی وجه جمع دوم

این وجه شاید به یک معنا بهتر از وجهی باشد که صاحب جواهر فرموده اما این هم خالی از اشکال نیست. چون بالاخره اگر به اطفال نابالغ گفته می‌شود استیذان لازم نیست، می‌توانند در غیر این اوقات وارد شوند، این عرفاً ملازمه دارد با نظر؛ نمی‌شود از یک طرف به اینها بگوید شما اجازه نگیرید و وارد شوید، از آن طرف به زنان بگوید باید پوشش داشته باشید. بالاخره ورود بدون اذن و اجازه قهراً با اینکه آنها پوشش نداشته باشند، همراه می‌شود. زمینه عمل نکردن به تکلیف را برای زنان فراهم می‌کند. اینجا ممکن است گفته شود این نظیر هم دارد، مثل اینکه از یک طرف به مردان گفته شده که شما لازم نیست پوشش سر و گردن داشته باشید، اینها می‌توانند بیرون بروند با این وضعیت، از آن طرف هم به زنان گفته که شما به مردان نگاه نکنید. این را قبلاً اشکال کردیم؛ بالاخره یک ملازمه عرفی بین اینها هست. از اینکه از یک طرف به اطفال یا اولیاء آنها بگویند شما بدون اجازه می‌توانید وارد شوید، یا اولیاء اینها هم هیچ ممانعتی لازم نیست کنند؛ اینها می‌توانند بدون اجازه و اذن وارد شوند در خانه و در حالتی که زنان پوشش لازم را ندارند، ستر رأس ندارند، گردنشان پیداست، ممکن است ساق پا پیدا باشد. گفته بدون اجازه می‌توانید وارد شوید. از آن طرف هم بگوییم برای زنان تستر را واجب کرده در مقابل اینها. این به نوعی سر از انکار یک ملازمه عرفی روشن درمی‌آورد. بنابراین به نظر ما اینکه بگوییم این یک تکلیفی را بیان کرده و از آن طرف هم

تکلیف ستر را برای زنان بیان کرده، این چندان به حل مشکل منافات کمکی نمی‌کند. پس این وجه هم کنار می‌رود.
دو سه وجه دیگر هم برای حل این منافات گفته شده که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»